

مختصر الانتصار؛ برهان التحقيق و صناعة التدقيق؛ المجتاه من كلام الاله الرحمن؛ الرياض الظاهرة على التذكرة الفاخرة؛ الزهور على اللمع؛ مسائل الدرر فی العبد.

منابع: الاعلام، ۲۱۵۱۸؛ البدر الطالع، ۳۵۰۱۲؛ معجم المؤلفين، ۲۷۲۱۱۳؛ مؤلفات الزيدية، ۱۱۶/۱ به بعد؛ هدية المارفين، ۵۵۹/۲.

شهیدی صالحی

ثُلث (خط) ← خط

ثُلث، به ضم اول، و ضم یا سکون لام، به معنی یک جزء از سه جزء و در اصطلاح فقه امامیه در دو مورد به کار رفته است: اول) در تعیین سهم (= فرض)، فقه امامیه وراث را به سه طبقه تقسیم می کند که هر گروه به گونه ای ارث می برند، گروهی به فرض، گروهی به فرض و رد، و گروهی به قرابت، و گروهی به قرابت و رد و بالاخره گروهی به ولاء (= ارث). اما گروه اول که به فرض یا به فرض و رد ارث می برند آن دسته از وراث متوفی هستند که به علت ارتباط نزدیک با او در هر حال از متوفی به نسبتی معین از ترکه ارث خواهند برد، برای این گروه در شرع سهم (= فرض) کسر معینی نظیر ربع، ثمن، ثلث، شُدس قرار داده شده است، و این گروه ۱۳ نفر می باشند نظیر پدر و مادر و برادر و زوجین و جز اینها. ثلث یا یک سوم ترکه متوفی آن مقدار از سهم الارث است که بنابر تعیین شرع به بعضی از ورثه داده می شود، بر طبق روایات و فتاوی فقهاء امامیه ثلث سهم الارث از آن وراث زیر است: ۱) مادر در صورت نبود فرزند و دیگر حاجبی همانند برادر و هر وارثی که از راه مادر با مورث مربوط است؛ ۲) برادر و خواهر مادری در صورت تعدد.

مسائلی که در فقه امامیه در مورد این دو صورت مطرح شده عبارتند از: ۱) مادر در صورتی که تنها وارث بوده باشد تمام ارث که عبارت است از ثلث ارث به فرض و بقیه به رد به او می رسد؛ ۲) اگر وراث متوفی تنها یک پدر و مادر بوده باشند، مادر ثلث ارث را تصاحب می کند و پدر دو ثلث را؛ ۳) هرگاه وراث نوادگان پسری و دختری باشند، نوادگان دختری او ثلث ارث بنابر قاعده پسر دو برابر دختر به آنها خواهد رسید؛ ۴) اگر وراث دو خواهر یا چندین خواهر از یک پدر و مادر (= ابونبی) بوده و یا دو برادر از مادر (= اُمی) باشند، ثلث ارث را به فرض و بقیه را به رد مالک می شوند؛ ۵) برادران یا خواهران اُمی متوفی در صورتی که به همراه برادران یا خواهران ابونبی متوفی وراث بوده باشند ثلث ارث بالسویبه به آنها می رسد، و دو ثلث دیگر از آن برادران یا خواهران ابونبی است؛ ۶) اگر جد مادری متعدد باشند ثلث ارث بالسویبه میان آنها تقسیم می شود؛ ۷) اگر وراث، عمو و عمه ابی یا اُمی باشند، عمو و عمه

همچنین صوفیه و معتزله و اشعریه رساله های بسیاری نگاشته است و مشاجرات و مباحثه هائی با زیدیه جارودیه یمن داشته که منجر به هجو یکدیگر گردید. ثلاثی در درجه اول گرایش به عقل و علوم عقلی و باب اجتهاد را جایگزین حدیث و قیاس می دانست و این آشکارا تاسی به مکتب شیعه امامیه بود و نیز در دفاع از این مکتب اجتهادی چندین بار تا پای چوبه دار پیش رفت. قاضی شوکانی (م ۱۲۵۰ ق) در البدر الطالع او را بسیار ستوده است و نیز شجاعت وی را در بیان حق و مسائل علمی یاد کرده و می نویسد... او در تمامی علوم نبوغ کرد و بین کتاب و سنت جمع نمود و اصول و فروع دین را تحقیق کرد. مؤلفات او مورد قبول تمام علماء است و بر معتزله و اشعریه و صوفیه و مسائل کلامیه و تفرعات فقها نقد بسیار نمود. سپس می نویسد او که یک دایرة المعارف علوم اسلامی است به اصطلاحات محدثین در حدیث عمل نمی کرد و مسائل علمی را بر مبنای اجتهاد خود استنباط می کرد و حدیث را فقط از کتب معتبر و منابع اصلی آنها نقل می نمود... ثلاثی دارای مؤلفات گرانقدری است که مشهورترین آنها علاوه بر دو کتاب العلم الشامخ... و الا روح النوافخ... که در آنها مسائل مهم خلاف بین مذاهب مشهور مانند اشعریه و معتزله و شیعه امامیه و سنی و صوفیه را بحث نموده و در مصر طبع گردیده است؛ الابحاث المسددة فی مسائل متعدده که در کتابخانه الجامع الکبیر صنعا (شماره ۷۲۱) موجود است؛ الاتحاف لطلبة الکشاف دارای حواشی بحث مهم و انتقاد در بعضی از موارد بر تفسیر الکشاف زمخشری است؛ حب الغمام علی بلوغ المرام؛ المنار فی المختار من جواهر البحر الزخار در فقه؛ نجاح الطالب علی مختصر ابن الحاجب در اصول فقه؛ دیوان شعر و غیره می باشند.

منابع: الاعلام، ۱۹۷/۳؛ الازهریه، ۱۸۰/۶ به بعد؛ انصاح المکتون، ۱۱۸/۲ به بعد؛ البدر الطالع، ۲۸۸/۱؛ معجم المطبوعات، ۱۷۷۲/۲؛ معجم المؤلفين، ۱۴۱۵؛ مؤلفات الزيدية، ۳۳/۱ به بعد؛ نشر العرف، ۷۸۱/۱؛ هدية المارفين، ۲۴۴/۱.

Yusuf b Ahmed

220309

ثلاثی، شیخ نجم الدین یوسف (م ۸۳۲ ق)، فرزند احمد از فقهای زیدیه و علمای عصر خویش. پس از تکمیل مقدمات و فنون ادب و فقه و حدیث و تفسیر، شهر هجرة العین در نواحی تلا از بلاد یمن را مسکن دائمی خویش قرار داد و کرسی تدریس و فتوی را در آن سامان به خود اختصاص داد و طلاب علوم دینی از اطراف و اکناف به سوی او هجرت می کردند. وی آثار گرانقدری از خود باقی گذاشته است که از منابع مهم علمای زیدیه است مشهورترین آنها: الثمرات البانعة المصطفیة من آی القرآن، شامل آیات احکام در سه جلد یک دوره (شماره ۳۱، ۴۱، ۴۲) در کتابخانه الجامع الکبیر صنعا؛ الجواهر والفرر فی کشف اسرار الدرر؛ الاستبصار فی

Mecelle'tül-Ma'hedil-Misri

li'd-Dirasati'l-Islamiyye

fi Madrid, c. XVIII (1974-1975)

Madrid, s. 7-74

0.2252

Esta Revista está publicada por el Instituto Egipcio de Estudios Islámicos en Madrid

PROPIETARIO: Ministerio de Educación Superior. El Cairo.—R. A. E.

Dirección: INSTITUTO EGIPCIO DE ESTUDIOS ISLÁMICOS

Francisco de Asís Méndez Casariego, 1. — Madrid - 2

AFIF TURK

CAPÍTULO IV

YŪSUF IBN AḤMAD

1081-1085 (474-478)

YŪSUF AL-MU'TAMIN: OCTUBRE DE 1081-1085 (ŶŪMĀDA 1.º DE 474-478)

Una vez muerto al-Muqtadir, el reino hūdī quedó dividido entre los dos hermanos, que no tardaron en enfrentarse. Ninguno de ellos, Yūsuf y Mundir, pudo llegar a reunir bajo su solo mando la herencia de Aḥmad al-Muqtadir. El reino de Zaragoza, o sea de al-Mu'tamin, se quedó reducido, como hemos visto, a la capital y la parte occidental que confina con el territorio de Lérida. Mundir reinaba en esta última ciudad, así como en Tortosa y Denia.

Al Mu'tamin subió al trono en octubre de 1081 (Ŷumādā 1.º de 474)¹, para permanecer pocos años. Su reinado es muy corto; durante él, el Cid continuó mostrando su amistad al nuevo soberano y prestándole sus servicios.

Lo más notable de esta época, será la repetición de las discordias fratricidas entre los dos nietos de Sulaymān I, lo mismo que había ocurrido entre los hijos de éste, después de su muerte (1046). Si al-Muqtadir luchó él solo para destronar a sus hermanos, al-Mu'tamin, acogiendo al Cid en su corte, aprovechó su ayuda para guerrear contra Mundir 'Imād al-Dawla y sus aliados. Éste, como su tío al-Muzaffar, el destronado señor de Lérida, se alió con Cataluña y Aragón, o sea con Berenguer II, conde de Barcelona, y Sancho Ramírez, rey de Aragón y Navarra, quienes estaban muy interesados en fomentar la discordia.

Yūsuf, por ser el hijo primogénito y sucesor de su padre en el trono de Zaragoza, tenía derecho a la herencia total del reino hūdī. Pensó reunir el reino dividido y centralizar el poder bajo su soberanía

¹ Véase *supra*, p. 120 y n. 1 y p. 120 y n. 5.